

## اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری

دکتر محمدابراهیم شمس ناتری\*

اصل برائت از اصول اساسی حاکم بر جریان دادرسی کیفری است که نتایج مهمی را به نفع متهم در پی دارد. گرچه این اصل از مقتضیات عدالت حقوقی است، در عین حال در حقوق جدید، در مواردی خاص مصالح عالیه مقتضی محدود شدن قلمرو این اصل یا جایگزینی و تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت می باشد. از جمله مهم ترین موارد عدول از اصل برائت که در اسناد بین المللی و قوانین داخلی برخی کشورهای پیشرفته پذیرفته شده است، وجود ثروت ها و سرمایه های مظنون است که ظن تحصیل آنها از طریق فعالیت های مجرمانه می رود. در چنین مواردی بار اثبات معکوس شده و بر متهم است که مشروعیت منشأ این ثروت ها را اثبات کند. نگارنده با تحلیل این قاعده، به نقد برخی مواد قانونی در حقوق کیفری ایران پرداخته است.

**واژگان کلیدی:** اصل برائت، دادرسی کیفری، اماره مجرمیت، تقدم، عدالت حقوقی.

## مقدمه

از جمله اصول و قواعدی که امروزه حقوق کیفری بر مبنای آن استوار بوده و یکی از معیارهای اعمال عدالت محسوب می‌گردد، اصل برائت است<sup>۱</sup>. بر مبنای این اصل که در مقررات بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها و به ویژه در قوانین اساسی و کیفری آنها پیش‌بینی شده است، هر انسانی بی‌گناه فرض می‌شود و در صورت ورود اتهام به وی، به سبب فرض بی‌گناهی، مدعی باید گناه وی را اثبات نماید. در عین حال، در موارد خاصی از این فرض عدول شده و قواعد ویژه‌ای جایگزین این اصل می‌گردد. در این تحقیق نخست به تبیین مبانی و آثار این اصل پرداخته و سپس موارد عدول از آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۱) مبنای اصل برائت

گرچه اصل برائت از اواخر سده نوزدهم میلادی تحت تأثیر آموزه‌های مکتب کلاسیک، جایگاه خود را در حقوق کیفری کشورهای مختلف پیدا نمود، ولی در تاریخ حقوق کیفری، این اصل از جایگاهی قدیمی برخوردار بوده است. برای مثال، در حقوق روم آنتونیوس (Marcus Antonius (c.83-30 B.C)) یکی از دست پروردگان مکتب رواقی که قایل به لزوم توافق قانون با اصول اخلاقی و مبتنی بودن مسئولیت کیفری بر نیت مجرمانه و نه نتیجه مجرمانه بود، اعتقاد داشت در موارد شک و تردید نسبت به مجرم بودن متهم باید به سود او رأی داده شود و تا گناه کسی اثبات نشده، بی‌گناه شناخته می‌شود (حجتی کرمانی، ۱۳۶۹، ص ۱۸۰).

از حیث مبنا، در حقوق کیفری اسلام جایگاه این اصل را باید در قاعده معروف «درء حدود به سبب شبهات» جست‌وجو کرد که روایات فراوانی به طور مستقیم<sup>۲</sup> و

1. Presumption of Innocence.

۲. در این باره رک: به حدیث‌های معروف از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «ادرووا الحدود بالشبهات» (این بنا بر بینه قسمی، ۱۴۱۳، ص ۶۰) و «ادفعوا الحدود ما وجدتم له مدفعا» (این ماجد، بی‌تا، ص ۱۵۰).

غیرمستقیم<sup>۱</sup> بر آن دلالت دارند. علاوه بر این که برخی از فقها نسبت به اعمال قاعده، ادعای اجماع نیز کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۶، ص ۴۳۷). همان طور که بسیاری از فقیهان و حقوق دانان اسلامی بابت اعمال این قاعده و جاری شدن مناط آن تفاوتی میان حدود و مجازات‌های دیگر قایل نشده‌اند (محقق داماد، ۱۳۷۹، ص ۷ به بعد و عوده، بی تا، ص ۲۱۶). علاوه بر قاعده یاد شده، قاعده «ترجیح اشتباه در عفو بر اشتباه در کیفر» نیز دلالت روشنی بر جریان اصل براءت در حقوق کیفری اسلام دارد. بر اساس این قاعده که برگرفته از کلام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است: «ان الامام ان يخطي في العفو خير من ان يخطي في العقوبة»، اشتباه قاضی در عفو متهم بهتر از اشتباه وی در کیفر دادن است. معنا و مفاد این قاعده این است که صدور حکم به مجازات متهم تنها در صورتی صحیح است که ارتکاب جرم از ناحیه او ثابت شده و نص تحریم کننده منطبق با جرم ارتكابی باشد. بنابراین اگر تردیدی در ارتکاب جرم از ناحیه متهم یا در انطباق عنوان مجرمانه بر فعل متسبب به جانی وجود داشته باشد، باید حکم به براءت متهم شود؛ زیرا در صورت تردید، براءت متهم برای جامعه بهتر و از جهت اجرای عدالت سزاوارتر است. این اصل در حقوق کیفری اسلام بر همه انواع جرایم قابل انطباق است (عوده، بی تا، ص ۲۱۷).

علاوه بر موارد فوق در سیره امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام روایاتی به چشم می خورد که نشانگر حاکمیت مطلق اصل براءت در امور کیفری است. از جمله این که آن حضرت می فرماید: «أني لا اخذ على التهمة ولا اعاقب على الظن؛ من به خاطر تهمت کسی را مورد بازخواست قرار نمی دهم و با گمان و ظن، به کسی کیفر نمی دهم» (ثقفی کوفی اصفهانی، ۱۳۵۵، ۳۷۱). معنای این کلام این است که بی گناهی همه مردم اصل اساسی است و اگر

۱. روایات دلالت کننده بر عدم اجرای مجازات تازه مسلمان مرتکب شرب خمر، زنا، ربا و مانند آن که مدعی جاهل به حکم می باشد (شیخ حر عاملی، ج ۱۸، ص ۳۲۳، حدیث ۱ تا ۵) و عمل پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در القای سؤالانی از قبیل «الملك قبلت» و «الملك لمست» و «الملك غمزت» در برابر اقرار ماعزین مالک به زنا و نیز القائات علی عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام خطاب به شراحه همدانیه به هنگام اقرار وی به زنا از قبیل «العله وقع عليك و انت تائمه»، «العله استكرهك» (عاملی، ۱۳۶۷، ص ۳۷۹) که همگی دلالت بر درء حدود به سبب شبهات دارند، در جای خود دلالت بر حاکمیت اصل براءت نیز دارند. از خلیفه دوم نیز نقل شده که می گفت: «لأن اعطل الحدود بالشبهات احب الي من ان اقيمها بالشبهات: تعطيل حدود به هنگام شبهات برای من ارزشمندتر از اجرای حدود به هنگام شبهات است (عوده، بی تا، ص ۲۰۸).

کسی متهم به ارتکاب جرمی شده یا مورد ظن و گمان واقع شده و احتمال داده شود اقدامی علیه قوانین عمومی نموده باشد، به سبب تهمت و گمان مورد مؤاخذة و کیفر قرار نمی‌گیرد بلکه هم‌چنان بی‌گناه شناخته خواهد شد تا آنکه بزه‌کاری وی ثابت شود. حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: «اگر علیه کسی حجت و دلیلی ندارید، او را معاف و معذور بدانید» (جرDAQ، ۱۳۷۹، ص ۹۸۷-۹۸۶).

در واقع باید گفت اصل برائت کیفری ریشه در اصل عملی استصحاب - یکی از اصول عملیه معروف در علم اصول فقه - دارد؛ زیرا با ورود اتهام به متهم استصحاب عدمی به کمک وی شتافته و او را از انتساب ارتکاب جرم مبرا می‌سازد (رک: انصاری، ۱۴۱۱، ص ۵۵۲-۵۴۹ و ۵۹۱-۵۸۱). به سبب عقلانی بودن اصل برائت، حکم عقل در این باره از چنان اتقانی برخوردار است که ادله نقلیه مربوطه را به صورت ادله ارشادی و نه مولوی قرار می‌دهد، تا جایی که قاعده معروف «البینه علی المدعی و الیمین علی المنکر» (عاملی، ۱۳۶۷، ص ۱۶۷ به بعد) که در تمامی دعاوی حقوقی جاری است، در امور کیفری نیز - بدون نیاز به سوگند منکر - جریان می‌یابد.

با توجه به موارد ذکر شده، اصل برائت یک اصل عقلی است که از عدالت حقوقی ناشی می‌شود. به این معنا که چون در بسیاری از دعاوی کیفری، فصل خصومت و احقاق حق جز از طریق دادرسی عادلانه امکان‌پذیر نیست، این عدالت اقتضا می‌کند در مواردی که شخصی در معرض تهمت قرار گرفته و متهم می‌شود، بی‌گناهی وی جز در صورت ارائه دلیل قانع‌کننده استمرار یابد. بنابراین تا وقتی که تعقیب‌کننده نتواند ارتکاب فعل مجرمانه و سوء نیت متهم را اثبات نماید، عدم ارتکاب فعل مجرمانه و عدم سوء نیت وی استصحاب می‌شود.

اصل برائت در حقوق اسلام از چنان قدرتی برخوردار است که در موارد اتهامات مربوط به جرایم جنسی خاص، در صورت عدم اثبات اتهام از ناحیه تعقیب‌کننده امر کیفری، نه تنها متهم تبرئه می‌شود بلکه متهم‌کننده نیز به حد قذف محکوم می‌گردد. حتی در صورت عدم کفایت شهود یا تعارض شهادات آنان با یکدیگر از حیث زمان و مکان ارتکاب جرم اتهامی، خود شهود به حد قذف محکوم می‌شوند (نجفی، ۱۳۶۳،

ص ۳۰۶؛ شمس ناتری، ۱۳۷۸، ص ۱۹۶ به بعد).

امروزه به دلیل این‌که حقوق جزا و به ویژه دادرسی کیفری تحت نفوذ کامل حقوق عمومی در آمده است و مقامات تعقیب در امر کیفری اعم از دادستان و غیره به عنوان مدعی العموم در مقابل متهم دارای قدرت زیادی هستند که به موجب آن به راحتی امکان استفاده از قوای عمومی و دیگر تضمین‌های ویژه را دارا می‌باشند و در مقابل، متهم از هیچ یک از این امکانات بهره‌مند نیست. کفه ترازوی عدالت کیفری به نفع مدعی العموم سنگینی می‌کند (خزانی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۹) و در نتیجه، عدالت حقوقی بیش از پیش لزوم اعمال اصل برائت در امور کیفری را آشکار می‌سازد.

لزوم حاکمیت اصل برائت در اسناد بین‌المللی و قوانین و رویه‌های قضایی کشورهای مختلف از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در حقوق موضوعه ایران این امر نه تنها در اصل ۳۷ قانون اساسی،<sup>۱</sup> بلکه در ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی<sup>۲</sup> و ۱۹۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی<sup>۳</sup> مورد تأکید قرار گرفته است. گرچه دو ماده اخیر در ارتباط با اصل برائت در امور مدنی می‌باشد، ولی از حیث مبنا با اصل برائت در امور کیفری مشترک است و بلکه اجرای اصل برائت در امور کیفری از اولویت بیشتری نسبت به امور مدنی برخوردار است.

در کشورهای دیگر نیز می‌توان به پنجمین و ششمین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا ۱۷۸۹،<sup>۴</sup> ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه مصوب ۱۷۸۹،<sup>۵</sup> اصل بیست و هفتم قانون اساسی ایتالیا<sup>۶</sup> که اصل برائت را تا زمان قطعیت حکم تسری می‌دهد، و قوانین سایر دولت‌های متمدنی در این باره اشاره کرد.

۱. «اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

۲. «هر کس مدعی حقی باشد، باید آن را اثبات کند...».

۳. «اصل برائت است. بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد، باید آن را اثبات کند...».

۴. در این باره ر.ک:

The Bill of Rights, The First Ten Amendments to the United States Constitution.

۵. «هر انسانی بی‌گناه است تا وقتی که مجرمیت او اعلام شود».

۶. «متهم تا صدور حکم قطعی بی‌گناه تلقی می‌شود».

از حیث رویه قضایی نیز جریان اصل برائت در دادرسی کیفری امری مسلم و پذیرفته شده است، به گونه‌ای که در نظام حقوقی انگلیس که مبتنی بر حقوق عرفی<sup>۱</sup> است، این اصل از یک سری احکام قضایی استنتاج شده است. در این باره لرد سنکی ال سی<sup>۲</sup> در دعوی وولمینگتن علیه دی پی پی<sup>۳</sup> در سال ۱۹۳۵، بیان داشته است: «در تار و پود حقوق جزای انگلیس همواره یک رشته طلایی یافت می‌شود که عبارت است از این که کسی که تعقیب متهم را بر عهده دارد (دادستان) باید مجرمیت او را اثبات کند (اشورث<sup>۴</sup>، ۱۹۹۲، ص ۵-۷) و مادام که مجرمیت اثبات نشود و یا شک و شبهه‌ای در خصوص اثبات جرم وجود داشته باشد، متهم مستحق برائت است» (براندون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۵، ص ۳). این بیان به معنای پذیرش کامل اصل برائت در حقوق جزای انگلیس است. بر اساس این اصل در حقوق انگلیس متهم بی‌گناه فرض می‌شود مگر این که بدون هیچ شک معقولی<sup>۶</sup> گناه و جرم وی ثابت شود (روموند<sup>۷</sup>، ۱۹۸۳، ص ۳۳۲). در ایالات متحده آمریکا نیز که محاکمات جنایی همانند انگلستان با حضور هیئت منصفه انجام می‌شود اصل برائت حق مسلم متهم محسوب می‌شود. در مرحله انتخاب اعضای هیئت منصفه، اگر کاندیدای عضویت در هیئت منصفه اصل برائت را قبول نداشته یا در آن تردید داشته باشد حق انتخاب شدن ندارد (خزانی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۷). به این ترتیب هیئت منصفه باید سکوت متهم در دادرسی را حق مسلم او دانسته و اقامه دلیل بر ارتکاب جرم را وظیفه دادستان بداند.

اصل برائت در اسناد بین‌المللی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۴۱۱ ه.ق سازمان کنفرانس اسلامی<sup>۸</sup>، اعلامیه جهانی حقوق بشر

1. Common law.
2. Lord Sankey LC.
3. Woolmington V. DPP.
4. Ashworth.
5. Brandon.
6. Beyond All Reasonable Doubt.
7. Redmond.

۸. ماده ۱۱. بند «ه»: «متهم بی‌گناه است تا این که محکومیتش از راه محاکمه عادلانه‌ای که همه تضمین‌ها برای دفاع از او فراهم باشد، ثابت گردد».

سازمان ملل متحد سال ۱۹۴۸،<sup>۱</sup> میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶<sup>۲</sup> و سرانجام اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۸۸<sup>۳</sup> همگی با وسواس خاصی بر این اصل تأکید می‌ورزند.

ملاحظه می‌شود که اصل برائت نه تنها در حقوق داخلی کشورها، بلکه در اسناد بین‌المللی نیز از جایگاه ممتازی برخوردار است و بنابراین باید آن را در زمره میراث مشترک حقوقی کشورهای متمدنی جهان محسوب نمود (آشوری، ۱۳۷۹، ص ۲۰۱).

## ۲) آثار اصل برائت

با پذیرش اصل برائت آثار مختلف حقوقی بر آن بار می‌شود که در تمامی آن‌ها به شکلی حقوق متهم مورد حمایت قرار می‌گیرد. بخشی از این آثار را از حیث حقوق دفاعی متهم و برخی دیگر را در ارتباط با آزادی متهم می‌توان یافت.

از مهم‌ترین آثار این اصل در ارتباط با حقوق دفاعی متهم، تکلیف مقام تعقیب به اثبات عنصر مادی جرم اتهامی از یک طرف و عنصر معنوی آن از طرف دیگر است. در نتیجه، متهم مکلف به ارائه دلیل بر بی‌گناهی خود نمی‌باشد. از دیگر آثار اصل برائت لزوم تأمین امکانات لازم برای متهم جهت دفاع از خود، از قبیل داشتن حق تعیین وکیل،<sup>۴</sup> حق تعیین مترجم، در دسترس قرار دادن کتاب و منابع قانونی برای استناد به آن در

۱. ماده ۱۱، بند اول: «هر کس به بزه‌کاری متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد».

۲. ماده ۱۴، بند دوم: «هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بی‌گناه فرض شود تا این‌که تقصیر او بر طبق قانون محرز گردد».

۳. ماده ۶۶: «۱. اصل بر بی‌گناهی اشخاص است مگر آن‌که بر طبق قانون حاکم، خلاف آن در دیوان ثابت شود. ۲. اثبات مجرمیت شخص بر عهده دادستان است. ۳. در صورتی دیوان می‌تواند رأی به محکومیت شخص بدهد که بدون هیچ شبهه‌ای مجرمیت وی را قبلاً احراز کرده باشد».

۴. در نتیجه، محدود کردن حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی به اجازه دادگاه در موارد محرمانه یا جرایم علیه امنیت کشور و مواردی که به تشخیص قاضی موجب فساد می‌گردد، به صورتی که در ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری آمده است، با مقتضای اصل برائت سازگاری ندارد.

صورت لزوم، سکوت متهم، مواجهه حضوری با شهود و امکان جرح آنان و حتی امکان جرح قاضی در صورت اقتضا و سرانجام لزوم تفسیر موارد شک به نفع متهم می باشد. از طرف دیگر، با توجه به این که متهم از اصل برائت بهره می برد، باید با وی همانند زمان قبل از اتهام برخورد کرد و نباید آزادی وی را سلب یا محدود نمود. در نتیجه، جز در موارد ویژه از قبیل جرایم مشهود و جرایم خاصی که مصلحت متهم و یا جامعه اقتضا می کند و به عبارت دیگر، مقتضای عدالت حقوقی است، نباید وی را بازداشت کرد و باید تا آن جا که ممکن است، برای تضمین حضور به موقع وی در جلسات دادرسی، از راه صدور قرارهای جانشین یا جایگزین های بازداشت موقت عمل نمود. صدور چنین قرارهایی به سبب این که خلاف مقتضای اصل برائت می باشد جز با دخالت مقام قضایی امکان پذیر نیست (آشوری، ۱۳۷۹، ص ۲۰۵).

با توجه به آثار ذکر شده می توان از اصل برائت به عنوان «ام الاصول» در دادرسی کیفری تعبیر کرد، زیرا موجب پیش گیری از خودسری قضات و ضابطان دادگستری در بازداشت و سلب حقوق شهروندان شده، آزادی آنان را تأمین می کند و در موارد بر چسب زنی و اتهام، امکان اعمال اجبار و شکنجه او برای گرفتن اقرار یا اثبات بی گناهی او از بین می برد و با تضمین حق سکوت متهم، مقام تعقیب را مکلف به اثبات جرم اتهامی می کند.

حقوق کیفری اسلام با محترم شمردن اصل برائت تمامی این آثار را پذیرفته و تا آن جا به این آثار ملتزم است که در صورت اکراه متهم از سوی مقام قضایی جهت اقرار به موارد اتهامی، اقرار متهم را فاقد آثار حقوقی می داند، به گونه ای که برای مثال، در صورتی که متهم به سرقت، تحت فشار و اکراه اقرار به سرقت کرده و اموال مسروقه را نیز مسترد دارد به رغم این که حکم به ضمان او می شود، در عین حال اقرار او به سرقت نافذ نبوده و استرداد اموال مسروقه دلالت بر سرقت ندارد و در نتیجه، حد یا تعزیر مربوط به این جرم بر وی تحمیل نخواهد شد (نجفی، ۱۳۶۳، ص ۵۲۶).



### ۳) عدول از اصل برائت

به‌رغم اعمال اصل برائت در امور کیفری و حاکم بودن آن بر دیگر اصول و قواعد حقوق جزا، در موارد خاصی از اعمال این اصل عدول می‌شود. در چنین مواردی، در حالی که در صورت ورود اتهام، اصل، برائت بوده و این مقام تعقیب‌کننده است که باید ارکان مادی و معنوی جرم را اثبات کند و متهم مکلف به اثبات بی‌گناهی خویش نیست، وظیفه ارایه دلیل جابه‌جا شده و بر دوش متهم قرار خواهد گرفت.

مبنای عدول از اصل برائت در بسیاری از موارد، همان مبنایی است که حاکمیت اصل برائت در امور کیفری را توجیه می‌کند. به عبارت دیگر، همان‌گونه که عدالت حقوقی اقتضا می‌کند در صورت عدم وجود دلیل، برائت و بی‌گناهی متهم مورد حکم قرار گیرد، در موارد خاصی نیز که وجود قراینی ظن ارتکاب جرم توسط متهم را تقویت می‌کند، اقتضای عدالت حقوقی و مصالح عمومی، تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت است.

عدول از اصل برائت در صورتی توجیه منطقی خواهد داشت که اماره‌ای قانونی یا قضایی که سبب ایجاد ظن قوی یا اطمینان‌آور است در میان باشد. وجود این امارات موجب تغییر روند دادرسی خواهد شد و به این طریق اصل برائت نسبت به متهم مخدوش شده و در نتیجه به‌رغم عدم وجود دلیل قاطع، قاضی به روش‌های استثنایی دادرسی متوسل می‌شود.

نمونه بارز توسل به روش استثنایی دادرسی در حقوق کیفری اسلام را در موارد قتل مشکوک موجب لوث می‌توان یافت. لوث در مواردی مطرح می‌شود که به‌رغم عدم وجود یکی از ادله عادی اثبات قتل از قبیل اقرار و شهادت، قراین و امارات ظن‌آور و غیر متعارضی وجود داشته باشد که دلالت بر تحقق قتل توسط متهم کند و حاکم با توجه به این قراین و امارات به ارتکاب قتل از جانب متهم ظن پیدا کند (مواد ۲۳۹ الی ۲۴۲ و ۲۵۵ و ۲۵۶ قانون مجازات اسلامی). در چنین مواردی حاکمیت اصل برائت نسبت به متهم زایل می‌گردد و این متهم است که باید برای تبرئه خود بینه اقامه کند (ماده ۲۴۶ قانون مجازات اسلامی) و در صورت عدم اقامه بینه، قسامه که از روش‌های استثنایی اثبات جرم است، اعمال می‌گردد. بر مبنای قاعده قسامه، پنجاه نفر اعم از مدعی و

بستگان نسبی و ذکور وی قسم یاد می‌کنند که متهم مجنی علیه را به قتل رسانده است. در صورت تحقق تمامی شرایط قسامه، متهم به سبب قتل مجنی علیه محکوم می‌گردد (مواد ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱ و ۲۵۳ قانون مجازات اسلامی). در صورتی که مدعی و بستگان وی از اقامه قسم امتناع کنند، متهم می‌تواند به تنهایی و یا به همراه بستگان خویش با یادکردن پنجاه قسم مبنی بر بی‌گناهی خویش، خود را تبرئه کند (مواد ۲۴۴، ۲۴۷ و ۲۴۸ قانون مجازات اسلامی).

علاوه بر مورد یاد شده، اثبات دیه بر عاقله در قتل و جنایات خطایی محض از دیگر مواردی است که در آن از اصل براءت عدول شده و در این مورد حکم به ضمان عاقله داده می‌شود (مواد ۳۰۵ الی ۳۱۲ قانون مجازات اسلامی). البته در برخی مکتب‌ها به سبب وجود قراینی نه چندان قابل اعتماد، از اصل براءت عدول می‌شود. برای نمونه، از دیدگاه مکتب تحقیقی - اثباتی<sup>۱</sup> هنگامی که متهم بزه کار فطری - مادرزاد - و یا به عادت باشد اصل براءت زایل می‌گردد، به ویژه آن‌گاه که این متهم به هنگام ارتکاب جرم مشهود دستگیر شده باشد و حتی از متهم خواسته نمی‌شود برای براءت خود دلیلی ارائه کند (خزانی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۲)؛ همان‌گونه که از نظر سزار لومبروزو مجرمان فطری یا مادرزاد بدون نیاز به ادله اثبات کننده جرم آن‌ها و صرفاً بر مبنای معیارهای قیافه‌شناسی - جرم‌شناسی انسان شناختی -<sup>۲</sup> مجرم شناخته می‌شوند. نهایت این‌که، بر اساس آموزه‌های مکتب یاد شده، به سبب منطقی نبودن مجازات که ناشی از عدم مسئولیت کیفری مجرمان به سبب جبری بودن فعل مجرمانه آنان است، آن‌ها به سبب مسئولیت اجتماعی مشمول اقدامات تأمینی قرار می‌گیرند. این اقدامات نسبت به بزه‌کاران فطری و بزه‌کاران به عادت، تبعید می‌باشد (ژان پرادل، ۱۳۷۳، ص ۱۰۲-۱۰۰).

روشی که مکتب تحقیقی در اثبات جرم متهمان یاد شده مطرح کرده بود، علاوه بر غیر علمی بودن، غیر عادلانه نیز بود و اعتراض اندیشمندان مختلفی از قبیل ویکتور هوگو - در کتاب کوزپشت سردام - را برانگیخت که در حقیقت فریادی اعتراض آمیز علیه

1. Positive School.

2. Anthropologic Criminology.

این نوع قضاوت و داوری بود.

به سبب ناعادلانه و غیر علمی بودن نظریه مکتب تحقیقی در مورد فطری و جبری بودن جرم و وجود مجرمان مادرزاد، دانشمندانی از جمله الکساندر لاکاسانی،<sup>۱</sup> امیل دورکیم،<sup>۲</sup> لوگرن،<sup>۳</sup> دوگرف<sup>۴</sup> و دیگران با حمله شدید به نظریه مجرم مادرزاد یا مجرم فطری، این نظریه را رد کردند و حتی آلبرشت<sup>۵</sup> استاد آناتومی در هامبورگ در اولین کنگره بین‌المللی انسان‌شناسی جنایی که در سال ۱۸۸۵ در رم تشکیل شد، نظریه مجرم مادرزاد را به باد تمسخر گرفت (نوربها، ۱۳۷۷، ص ۸۷) و گورینگ<sup>۶</sup> انگلیسی در سال ۱۹۱۳ ثابت کرد تیپ جنایی که معرف مجرم مادرزاد است وجود ندارد (گسن، ۱۳۷۰، ص ۱۳۲).

در مورد بزه کاران حرفه‌ای و مرتکبان تکرار جرم نیز نمی‌توان به استناد بزه‌هایی که قبلاً مرتکب شده‌اند، اصل برائت را نادیده گرفت. متهم هر قدر هم دارای پیشینه کیفری باشد باز امکان این‌که جرم جدید مورد اتهام را مرتکب نشده و فاعل واقعی آن شخص دیگری باشد و یا مرتکب از عوامل موجهه جرم و یا عوامل رافع مسئولیت کیفری برخوردار باشد، وجود دارد. در نتیجه، وجود سوابق کیفری، مقام تعقیب یا شاکی خصوصی را از ارایه دلیل کافی در مورد اتهام جدید بی‌نیاز نمی‌کند (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۱۴۰ و ۱۴۱).

همان‌گونه که گذشت، در صورت عدول از اصل برائت، دادرس به روش‌های استثنایی متوسل می‌گردد. در این روش‌ها بار دلیل جابه‌جا شده و با تقدیم اماره مجرمیت بر اصل برائت، اثبات برائت بر عهده متهم گذارده می‌شود. موارد عدول از اصل برائت کم و بیش در حقوق کشورهای مختلف، حتی کشورهایی که این اصل را به عنوان اصل اساسی حاکم بر حقوق جزا می‌دانند، وجود دارد. این موارد عمدتاً در

1. Alexandr Laccassagne.
2. Emil Durkheim.
3. Legrain.
4. A. Degreff.
5. Albrecht.
6. C.B. Goring.

جاهایی بیشتر مطرح می‌شود که اولاً ارتکاب جرم موجب صدمه‌ای شدید به جامعه شده و یا تهدیدی جدی علیه آن تلقی گردد، ثانیاً اثبات جرم از سوی دادستان و مقام تعقیب به سبب پیچیدگی‌های خاص جرم ارتكابی امکان‌پذیر نباشد. در چنین مواردی برای این‌که مجرمین واقعی از اعمال عدالت نگریزند، اماره مجرمیت بر اصل برائت مقدم می‌گردد. گرچه امروزه در حقوق کیفری داخلی کشورها عدول از اصل برائت معمول نیست اما در این جا به مواردی چند از تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت اشاره می‌شود:

### الف - جرایم علیه امنیت

به سبب اهمیت امنیت داخلی و خارجی کشورها، در جرایم خاص علیه امنیت، در برخی کشورها در صورت وجود ظن به ارتکاب جرم از سوی متهم که ناشی از وجود برخی قرائن و امارات است، اصل برائت مخدوش شده و اماره مجرمیت مقدم بر این اصل می‌گردد. برای مثال، بر اساس بخش سوم قانون اسرار دولتی کانادا<sup>۱</sup> «هر کس اطلاعاتی را به منظوری که برای امنیت دولت مضر است به یک دولت خارجی بدهد، مجرم است». از طرف دیگر، بر اساس ماده ۱۱ منشور حقوق و آزادی‌های کانادا که اصل برائت را به طور کامل پذیرفته و بار اثبات را بر عهده دادستان قرار داده است، در چنین مواردی دادستان باید اولاً ارایه اطلاعات به یک دولت خارجی توسط متهم را ثابت نماید؛ ثانیاً اثبات کند این عمل به منظوری بوده که برای امنیت و دولت مضر است؛ ثالثاً عنصر معنوی جرم یعنی قصد مجرمانه را در عمل ارتكابی متهم نشان دهد.

در عین حال، به رغم حاکمیت کلی اصل برائت، قانون‌گذار کانادا دو فرض قانونی را مطرح نموده است: اولاً صرف این‌که متهم با مأمور یک دولت خارجی در کانادا یا خارج از آن در تماس بوده یا به خانه او می‌رفته و یا حتی نام، نشانی یا اطلاعات دیگری در مورد او داشته است، به معنی آن است که به او اطلاعات می‌داده است و صرف تماس داشتن با مأمور مذکور دلیل بر آن است که متهم علیه دولت کانادا و به نفع دولت خارجی

1. Official Secret Act.

اقدام کرده است. ثانیاً صرف ارایه اطلاعات به فردی که مجاز به دریافت آنها نیست به معنی عمل کردن به شیوه‌ای مغایر با امنیت دولت است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۰، ص ۳۰، به نقل از ویلیامز، ۱۹۸۱، ص ۷-۲۳۶) و در نتیجه این متهم است که باید بی‌گناهی خویش را اثبات نماید.

با توجه به این دو فرض، ملاحظه می‌شود به‌رغم این‌که در اتهام وارده بر شخص متهم، اثبات عنصر مادی و معنوی جرم بر عهده دادستان است، وجود عنصر مادی و معنوی جرم مورد بحث در موارد ارایه اطلاعات، به صورت اماره قانونی مفروض شمرده شده و در نتیجه، اماره مجرمیت بر اصل براءت مقدم گردیده است و وظیفه متهم است که عدم صحت فرض‌های ذکر شده را اثبات نماید.

## ب - جرایم جنگی

در جرایم جنگی، تمامی افراد وابسته به گروه مرتکب جنایت جنگی، بر اساس تقدم اماره مجرمیت بر اصل براءت مشمول مجازات می‌شوند مگر این‌که براءت خود را اثبات نمایند. برای مثال، قانون ۱۵ سپتامبر ۱۹۴۸ فرانسه درباره مجازات جنایت‌کاران جنگ مقرر می‌دارد که تعلق افراد به یکی از گروه‌هایی که توسط دادگاه نظامی نورنبرگ مجرم شناخته شده‌اند، دلیل بر شرکت اعضای آن در تمامی جنایات جنگی منتسب به این گروه محسوب می‌شود، مگر این‌که فرد ثابت کند عضویت او در گروه مذکور اجباری بوده است و یا در اعمال مجرمانه شرکت نداشته است (خزانی، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳، ص ۱۳۹). هم‌چنین ماده ۹ اساسنامه نورنبرگ صرف عضویت در سازمان‌های جنایت‌کار مرتکب جنایات جنگی را جرم تلقی کرده و خواستار مجازات اعضای آنها شده بود. اما از آن‌جا که این امر با اصل براءت سازگاری نداشت، وکیل مدافع «رودلف هس»، جانشین و معاون هیتلر، در رد این ماده بیان داشت: «ماده ۹ اساسنامه مخالف وجدان حقوقی جامعه بین‌الملل است. چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین‌الملل قاعده‌ای وجود ندارد که طبق آن بتوان فردی را بدون این‌که مرتکب گناهی شده باشد به صرف عضویت در سازمان یا گروهی مشمول شناخت...». در پاسخ به این اعتراض، دادگاه نورنبرگ

جواب داد: «سازمانی که هدف جنایت‌کارانه دارد بی‌شبهت به توطئه جنایت‌کارانه نیست. برای تحقق توطئه باید جمعی با هدف مشترک وجود داشته باشد... طبعاً افرادی که از هدف یا اعمال جنایت‌کارانه سازمان بی‌خبر بوده‌اند معاقب نخواهند بود» (عظیمی، ۱۳۴۱، ص ۷۷-۷۶). ملاحظه می‌شود که دادگاه نورنبرگ در این خصوص اماره مجرمیت حاصل از عضویت شخص در سازمان جنایت‌کار را بر اصل برائت از ارتکاب جنایات مربوطه مقدم داشته و در عین حال در صورت اثبات عدم اطلاع و آگاهی اعضا از اقدامات این سازمان، آن‌ها را قابل تعقیب و مجازات ندانسته است. بنابراین صرف عضویت در گروه مجرمانه مرتکب جنایات جنگی اماره‌ای برای ارتکاب جنایت است که اعمال اصل برائت را مخدوش می‌کند.

البته با تدوین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۸، در جنایات جنگی نیز همانند سایر جرایم اصل برائت در تمامی موارد حاکمیت دارد، به گونه‌ای که بر اساس بند سوم ماده ۶۶ اساسنامه «در صورتی دیوان می‌تواند رأی به محکومیت شخص بدهد که بدون هیچ شبهه‌ای مجرمیت وی را قبلاً احراز کرده باشد».

### ج - ثروت‌های مشکوک

از جدیدترین موارد تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت، موارد تحصیل ثروت‌های مشکوک است. از آن‌جا که امروزه یکی از راه‌های قانونی جلوه دادن ثروت‌های نامشروع، دست زدن به تطهیر پول یا پول‌شویی<sup>۱</sup> است و ثروت‌های حرام ناشی از جرایم و عملیات نامشروع، از این طریق به شکل‌های خاصی به بازار قانونی تزریق شده و در نتیجه، آثار فعالیت‌های غیرقانونی و مجرمانه این ثروت‌ها محو می‌گردد، در کشورهای مختلف این روش جدید، یعنی تطهیر پول، جرم‌انگاری شده و مجازات‌های شدیدی برای آن در نظر گرفته شده است. این جرم‌انگاری به ویژه پس از گسترش ارتکاب جرایم سازمان یافته<sup>۲</sup> در سطح کشورهای اروپایی و آمریکایی، در قوانین داخلی این کشورها و

1. Money laundering.

2. Organized Crimes.

قراردادهای منطقه‌ای پیش‌بینی شده است.<sup>۱</sup> علاوه بر جرم انگاری تطهیر پول، در صورتی که شخصی سرمایه‌ای را به دست آورد که با درآمد مشروع و متعارف وی سازگاری نداشته باشد و از طرف دیگر، این شخص با مجرم نیز کم و بیش در ارتباط باشد، با تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت، این اموال توقیف شده و شخص مظنون جهت ادای توضیحات و اثبات مشروعیت منشأ این اموال به دادگاه فراخوانده می‌شود. در صورتی که متهم مشروعیت منشأ اموال را اثبات کند از وی رفع اتهام شده، اموال به وی مسترد می‌گردد. اما اگر نتواند مشروعیت منشأ آن‌ها را اثبات نماید، علاوه بر مصادره اموال، به مجازات‌های دیگری نیز محکوم خواهد شد.<sup>۲</sup>

در حقوق اسلام چنین امارات که اماره‌هایی قضایی هستند و در فقه از آن‌ها به «ظاهر حال» تعبیر می‌شود، با توجه به این‌که از ظنون غیر معتبر هستند، بر اصل برائت مقدم نخواهند بود مگر آن‌که این امارات یقین‌آور و یا دست‌کم اطمینان بخش باشند (محقق داماد، ۱۳۷۸، ص ۱۸۶). بنابراین در صورت وجود اماره مجرمیت موجب اطمینان و ظن نزدیک به یقین مبنی بر نامشروع بودن منشأ اموال مشکوک، می‌توان بر اساس اصول حقوقی در تعارض میان این اماره و اصل برائت، اماره را مقدم داشت.

از نظر مبنایی، علت تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت ناکارآمدی قاعده استصحاب در صورت وجود اماره مجرمیت است؛ زیرا اصل برائت کیفری در مواردی که شخص مظنون به ارتکاب جرمی است، مبتنی بر استصحاب عدم ارتکاب جرم و برائت سابق است. مثال، در مورد درآمدهای مشکوک، قاضی پرونده، نسبت به برائت سابق متهم شک می‌کند، که در نتیجه با جریان استصحاب برائت سابق، بی‌گناهی وی استمرار می‌یابد. حال در صورتی که درآمدهای یاد شده و اوضاع و احوال موجود در روابط و ارتباطات متهم مظنون با مجرمان و به ویژه مرتکبان جرایم سازمان یافته یا هر شخص

۱. در مورد جرم سازمان یافته و آثار و اهداف آن و همچنین تطهیر پول به عنوان یکی از مصادیق جرم سازمان یافته ر.ک: (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۶، ص ۷۴-۵۲).

۲. در این باره ر.ک:

دیگری که می‌تواند به نوعی درآمدهای نامشروع را نصیب وی سازد، موجب ظن بسیار قوی یا اطمینان قاضی نسبت به نامشروع بودن این اموال و درآمدها گردد، دیگر استصحاب از جایگاهی برخوردار نبوده و این اماره که در حکم دلیل است بر اصل برائت ناشی از استصحاب مقدم خواهد بود (شمس ناتری، ۱۳۸۰، ص ۲۴۹).

البته این در صورتی است که اماره مجرمیت اماره قضایی باشد. اما اگر قانون‌گذار همانند «اماره تصرف» آن را اماره قانونی قرار دهد، در این صورت شکی در تقدم آن بر اصل برائت نخواهد بود حتی اگر اماره فوق اطمینان آور هم نباشد و تنها در صورتی از آن اعراض می‌شود که خلاف آن ثابت شود؛ زیرا در تعارض میان اماره و اصل عملی همواره اماره مقدم است. بلکه حتی اگر یکی از اصول عملیه با اماره موافق هم باشد، از جایگاهی برخوردار نیست و نمی‌تواند به عنوان مؤید اماره هم مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا اصل تنها در صورتی ارزشمند است که اماره و دلیلی وجود نداشته باشد؛ «الاصل دلیل حیث لا دلیل» (انصاری، ۱۴۱۱، ص ۷۵۰ و خراسانی ۱۴۱۲، ص ۴۹۷ به بعد).

به‌رغم وجود مبانی فوق که بر اساس آن می‌توان در مورد اموال مشکوک اماره مجرمیت را بر اصل برائت مقدم کرد و موجبات پیش‌گیری از دارا شدن‌های ناعادلانه و نامشروع را فراهم کرد، قانون‌گذار ایران در این‌گونه موارد توجهی به اماره نکرده و در «قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳» اصل برائت را به طور مطلق حاکم کرده است و در واقع بار اثبات عدم مشروعیت منشأ اموال مشکوک را بر عهده مقام تعقیب گذارده است (مواد ۲ و ۸ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

از طرف دیگر، با وجود این‌که قانون‌گذار ایرانی در مورد اموال و سرمایه‌های مظنون موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی، اصل برائت را به طور مطلق جاری کرده است - در حالی که تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در مورد این‌گونه اموال منطقی‌تر و با عدالت حقوقی نزدیک‌تر می‌باشد - در ارتباط با اموال قاچاقچیان مواد مخدر، اماره مجرمیت را به طور مطلق و به صورت اماره‌ای غیر قابل رد حاکم نموده و مصادره تمام اموال آنان - به نفع تأمین زندگی متعارف خانواده آن‌ها - را پیش‌بینی کرده است (مواد ۴، ۵ و



بندهای ۴ و ۵ و ۶ ماده ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت سال ۱۳۷۶). به این ترتیب، همان‌گونه که عدم توجه به اماره مجرمیت در سرمایه‌های مظنون موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی غیر منطقی به نظر می‌رسد، تقدم مطلق اماره مجرمیت بر اصل براءت در مورد اموال متعلق به قاچاقچیان مواد مخدر و بی‌تأثیر بودن استدلال آن‌ها مبنی بر مشروعیت منشأ این اموال یا برخی از آن‌ها نیز غیر منطقی و خلاف عدالت به نظر می‌رسد. در قوانین بسیاری از کشورهای اروپایی درباره اموال مظنون و مشکوک، اماره مجرمیت بر اصل براءت مقدم شمرده است. برای نمونه، قانون‌گذار فرانسه در بند اول ماده ۳۹-۲۲۲ قانون جزای فرانسه مقرر داشته است: «اگر شخصی نتواند منشأ منابع مالی غیر منطبق با سطح زندگی خود را در عین داشتن روابط معمولی با یک یا چند مصرف‌کننده مواد مخدر یا کسانی که در خرید و فروش مواد فوق دست دارند یا سرمایه‌های نامشروع را تطهیر می‌کنند توجه کند، به پنج سال حبس و پانصد هزار فرانک جریمه محکوم خواهد شد». هم‌چنین بر اساس ماده ۳۳۴ همان قانون، «هرگاه احراز شود فردی با یک روسپی زندگی می‌کند، تا وقتی که نتواند منبع قانونی در آمد خود را اثبات کند در حالی که ارتباط دائمی با فرد یا افرادی دارد که به فحشا اشتغال دارند، به مجازات قوادی محکوم خواهد شد».

به این ترتیب این مقررات، شکلی از اماره مجرمیت را ایجاد می‌کند که هدف آن تعقیب و مجازات کسانی است که به طور نامرئی و در خفا و بدون انجام کار خاصی، از پول و درآمد حاصل از فعالیت‌های مجرمانه و غیرقانونی سود می‌برند (بوریکان، ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷، ص ۳۲۹). در چنین مواردی این اماره بر اصل براءت مقدم داشته شده و بر متهم است که براءت خویش را در دادگاه به اثبات برساند.

مقررات یاد شده، در قانون مجازات آلمان نیز با این فرض که اسوا و دارایی‌های مشکوک و مظنون از یکسری جرایم حاصل شده، پیش‌بینی گردیده است، به گونه‌ای که اگر متهم نتواند منشأ مشروع اموال مظنون خود را اثبات نماید، این اموال مصادره خواهد شد (آلبرشت، ۱۳۷۹، ص ۳۰۱).

آنچه که قانون‌گذار فرانسه و سایر قانون‌گذاران اروپایی را وادار کرده است به تقدم

اماره مجرمیت بر اصل براءت متوسل شوند مشکلات مربوط به اثبات «قصد مجرمانه عامل» و اثبات «شناخت و آگاهی مجرم از منشأ اموال بازیابی شده» است. به عبارت دیگر، از آنجا که در تمامی اتهاماتی که متوجه متهم می‌شود، این مدعی العموم است که باید سوء نیت متهم را - که در علاوه بر آگاهی وی نسبت به عمل خود، اطلاع او در مورد منشأ متقلبانه سرمایه و وجوه است - اثبات نماید و از آنجا که در موارد تطهیر پول و معاونت در این جرم، اثبات چنین امری بسیار مشکل و در بعضی موارد غیر ممکن می‌باشد و همین امر موجب تبرئه این متهمان و در نتیجه انباشته شدن سرمایه‌ها و اموالی می‌شود که به ناحق و به صورت نامشروع جمع شده‌اند و ظن قوی و غلبه عرفی دلالت بر توجه اتهام به متهم می‌نماید، در چنین مواردی راه حل اساسی در این است که بار ارایه دلیل معکوس شده و از شخصی که مظنون به سرمایه‌گذاری یا تبدیل وجوه یا اموال با منشأ مشکوک است، خواسته شود دلیل مبدأ و ریشه قانونی سرمایه و وجوه مربوطه را ارایه دهد (بوریکان، ۷۷-۱۳۷۶، ص ۳۲۸).

به سبب گسترش ارتباطات و آسان شدن بیش از پیش داد و ستدها و در نتیجه فراملی شدن جرایم سازمان یافته<sup>۱</sup> از یک طرف و لزوم حفظ امنیت اقتصادی و اهمیت تقدم اماره مجرمیت بر اصل براءت در مورد اموال و سرمایه‌های مظنون و مشکوک و تأثیر آن بر کاهش درآمدهای نامشروع از طرف دیگر، انجمن بین‌المللی حقوق جزا در قطع‌نامه شانزدهمین کنگره بین‌المللی حقوق جزا پیرامون «سیستم کیفری در مقابل چالش جرم سازمان یافته» پیشنهاد داده است که در موارد جرایم سازمان یافته اگر دادگاهی توانست اثبات کند که مؤسسه‌ای در ارتکاب این‌گونه جرایم دخالت داشته است، می‌تواند اموال مربوط به فعالیت‌های آن مؤسسه را مصادره نماید مگر آنکه صاحب آن اثبات کند که آن‌ها را از راه‌های قانونی به دست آورده است (مجله بین‌المللی حقوق جزا<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹، ص ۸۹۷).

تقدم اماره مجرمیت بر اصل براءت در مورد اموال مظنون و مشکوک، در کنوانسیون

1. Transnationalization of Organized Crimes.

2. International Review of Penal Law.

سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته سال ۲۰۰۰ معروف به کنوانسیون پالمو، نیز پیش‌بینی شده است. این کنوانسیون پس از این‌که مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو باید درآمدهای جرم یا اموال معادل آن‌ها و درآمدهای ناشی از این درآمدها را مصادره کنند» (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۰، ماده ۲۴). در ادامه، دولت‌ها را موظف می‌سازد که «در ارتباط با اموال مشکوک نیز از متهم درباره اصلت و مشروعیت درآمدهای مورد اتهام و دیگر اموال مشکوک و در معرض مصادره توضیح بخواهند و در صورت عدم کفایت توضیحات متهم و عدم اثبات مشروعیت درآمدها، این اموال ضبط و مصادره گردد» (سازمان ملل متحد، همان).

به این ترتیب امروزه که جرم سازمان یافته فراملی<sup>۱</sup> به طور ویژه‌ای گسترش یافته و آثار اقتصادی و اجتماعی این جرم جهان را تهدید می‌کند، برای پیش‌گیری از آن و کنترل مظاهر آن، نه تنها با درآمدهای قطعی ناشی از جرایم سازمان یافته مبارزه می‌شود، بلکه در مواردی که به نظر می‌رسد این جرایم متضمن درآمدهای مظنون می‌باشد نیز با تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت، این نوع درآمدها تحت کنترل قرار می‌گیرد (رک: شمس نائری، ۱۳۸۰، ص ۲۴۸ به بعد).

## نتیجه‌گیری

گرچه اصل برائت از اصول عقلیه مبتنی بر عدالت حقوقی است و در حقوق اسلام روایات فراوانی بر آن تأکید دارد و بر مبنای آن تا زمانی که دلیل قانع‌کننده‌ای اتهام متهم را ثابت نکرده باشد، وی بی‌گناه فرض می‌شود و در فقه امامیه موارد فراوانی در این مورد وجود دارد و قوانین کشورهای مختلف و اسناد بین‌المللی هم آن را مورد تأکید قرار داده‌اند، ولی در عین حال در موارد خاصی به طور استثنایی عدول از آن امری اجتناب‌ناپذیر است.

مصالح موجب عدول از اصل برائت که در آن‌ها اماره مجرمیت مقدم بر اصل برائت

1. Transnational Organized Crime.

می‌گردد، از حقوق کشوری به حقوق کشور دیگر متفاوت است. در عین حال در موارد جرایم سازمان یافته و تطهیر پول و سرمایه‌های مشکوک و مظنونی که ممکن است ناشی از این‌گونه جرایم باشند، با توجه به این‌که این‌گونه اموال ممکن است اقتصاد دولت‌ها را در خطر قرار داده و توازن اقتصادی کشورها را از طریق جابه‌جایی سرمایه‌ها به هم بزنند و در نتیجه موجبات شکست اقتصادی کشورها را فراهم سازند، تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در قوانین کشورهای توسعه یافته و اسناد بین‌المللی امری پذیرفته شده است.

از این‌رو به نظر می‌رسد لازم است قانون‌گذار ایران که در حال بررسی لایحه مبارزه با تطهیر پول است، قاعده تقدم اماره مجرمیت را مورد توجه قرار دهد و علاوه بر پیش‌بینی مجازات مرتکبین در موارد قطع به نامشروع بودن سرمایه‌ها و تطهیر پول، در مواردی که ثروت‌های انباشته‌ای در مظان تحصیل از راه‌های نامشروع می‌باشد نیز، در صورت وجود اماره قضایی مناسب مبنی بر نامشروع بودن منشأ این اموال، حکم به عدم مشروعیت منشأ این اموال بدهد، مگر این‌که متهم بتواند منشأ مشروع این اموال را اثبات نماید که در این صورت حکم به برائت وی صادر خواهد شد.

هم‌چنین مناسب است قانون‌گذار با تجدید نظر در قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی ۱۳۶۳ و قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶، به صورتی معقول در موارد مقتضی اماره مجرمیت را بر اصل برائت مقدم دارد تا از یک طرف سرمایه‌های بادآورده ناشی از فعالیت‌های مجرمانه مصادره گردد و از طرف دیگر، اموال مشروع متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی بدون تعرض باقی بماند و لو این‌که این اشخاص مرتکب جرایمی نیز شده باشند.

در عین حال، جهت حفظ حقوق شهروندان و حاکمیت عدالت و انصاف در مراحل مختلف دادرسی لازم است که جز در موارد وجود اماره اطمینان بخش و در جهت تأمین مصالح واقعی جامعه و اعمال عدالت حقوقی، از اعمال اصل برائت عدول نگردد. حتی در موارد عدول از اعمال اصل برائت و تقدیم اماره مجرمیت نیز لازم است امکانات مناسب برای متهم جهت دفاع از خود فراهم گردد.

با توجه به موارد ذکر شده، تقدیم اماره مجرمیت بر اصل برائت امری استثنایی است و جهت حفظ حقوق خصوصی افراد و آزادی آنها و حاکمیت عدالت باید اصل برائت به عنوان اصلی فراگیر و عام در تمامی مراحل دادرسی کیفری حاکم باشد مگر در موارد خاص و انگشت شماری که قانونگذار بر اساس مصالح عالیّه جامعه خلاف آن را پیش‌بینی می‌نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مآخذ

- ۱- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ج ۲ (تهران، سازمان سمت، ۱۳۷۹).
- ۲- آشوری، محمد، عدالت کیفری (تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶).
- ۳- آلبرشت، هانس جرج، سیاست‌ها و مسایل مواد مخدر در جمهوری فدرال آلمان، ترجمه فاطمه قناد، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، ج ۲ (تهران، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹).
- ۴- القزوبینی (ابن ماجه)، محمد بن یزید، سنن، ج ۲ (بیروت، دار احیاء التراث الاسلامی، بی تا).
- ۵- انصاری، شیخ مرتضی، فرائد الاصول، ج ۲ (قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ ق).
- ۶- بوریگان، ژاک، بزه کاری سازمان یافته در حقوق کیفری فرانسه، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۱ و ۲۲، سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷.
- ۷- پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسن نجفی ابرند آبادی (تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۳).
- ۸- ثقفی کوفی اصفهانی، محمد، الغارات (تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵).
- ۹- جرداق، جرج، امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانی، ترجمه سیدهای خسروشاهی، ج ۲ (چاپ دهم: تهران، انتشارات شروق، ۱۳۷۹).
- ۱۰- حجتی کرمانی، علی، سیر قضاوت در ادوار مختلف تاریخ (تهران، انتشارات مشعل دانشجو، ۱۳۶۹).
- ۱۱- حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، ج ۱۸ (چاپ ششم: تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۷).
- ۱۲- خراسانی، محمدکاظم، کفایة الاصول (قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق).

- ۱۳- خزانی، منوچهر، اصل براءت و اقامه دلیل در دعوی کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۴ و ۱۵، پاییز ۱۳۷۲ تا تابستان ۱۳۷۳.
- ۱۴- خزانی، منوچهر، فرایند کیفری (تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۷).
- ۱۵- شمس ناتری، محمد ابراهیم، بررسی تطبیقی مجازات اعدام (قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸).
- ۱۶- شمس ناتری، محمد ابراهیم، سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان یافته با رویکرد به حقوق جزای بین الملل، رساله دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی (تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰).
- ۱۷- طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل، ج ۱۵ (قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۳۷۶).
- ۱۸- عظیمی، عبدالرسول، محاکمه نورنبرگ از نظر حقوق جزا (تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۴۱).
- ۱۹- عوده، عبدالقادر، التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۱ (بیروت، دار الکاتب العربی، بی تا).
- ۲۰- قمی، محمد بن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۴ (بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۳ ق).
- ۲۱- گسن، ریموند، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی نیا (تهران، چاپخانه علامه طباطبایی، ۱۳۷۰).
- ۲۲- محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه (بخش جزایی) (تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۹).
- ۲۳- محقق داماد، سیدمصطفی، مباحثی از اصول فقه، دفتر سوم (تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۸).
- ۲۴- میرمحمد صادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی (تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸).
- ۲۵- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و دیگران، جرم سازمان یافته در جرم‌شناسی و حقوق جزا، مجله مدرس، دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۹.

۲۶- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۱ (چاپ هفتم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۳).

۲۷- نوربها، رضا، زمینه جرم شناسی (چاپ اول: تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۷).

28- Ashworth, Andrew, Principles of Criminal law (2nd ed: Great Britain, Oxford University Press, 1992).

29- Brandon, Steve, Criminal Law (University of London, 1995).

30- European Convention Laundering, Search, Seizure and Confiscation of the Proceeds from Crime, Strasbourg, 8.XI. 1990.

31- International Review of Penal law, Vol. 70, No. 3-4, 1999.

32- Redmond, P.W.D, General Principles of English Law (5th ed: Mcdonald and Evans Publications, 1983).

33- The UN Convention against Transnational Organized Crimes, 2000.

34- Williams and J.G. Castel, Sh, Canadian Criminal law (Toronto, Butterworths, 1981).